متن آهنگ رسولان راز خورشید

ما که بودیم؟ما نه این من و تو شهروندان شهر خاموشی

مانده بر قامت تکیده ی ما زخم زندان خود فراموشی

باید از ما کسی سلامی زد عزم از پا نشسته ی ما را

دست تیغی مگر که وا می کرد عقده ی بغض خسته ی ما را

ناگهان آمد ان بهاری که ما به فتوای او سپیداریم

سیدی از سلاله ی تسنیم که به خال لبش گرفتاریم

ناگهان آمد ان بهاری که ما به فتوای او سپیداریم

سیدی از سلاله ی تسنیم که به خال لبش گرفتاریم

ما , ما رسولان راز خورشیدیم غبطه ی مرگ سرخ در سر ماست

تا ابد بر سرنوشت دشمن واژه ی مرگ نام دیگر ماست

ما , ما رسولان راز خورشیدیم غبطه ی مرگ سرخ در سر ماست

تا ابد بر سرنوشت دشمن واژه ی مرگ نام دیگر ماست

ترانه آهنگ رسولان راز خورشید از حامد زمانی

رود جوشیده از غدیر قیام جلوه ی کل یوم عاشورا

من و تو ، ما شدیم و پیوستیم به مسیرش به مقصد دریا

ما غریب بلند تکبریم واژه , واژه بشیر امیدیم

در کف همت شباشوبم دشنه ی نا شکیب خورشیدیم

ما ، ما رسولان راز خورشیدیم غبطه ی مرگ سرخ در سر ماست

تا ابد بر ،سرنوشت دشمن واژه مرگ نام دیگر ماست